

دشمن‌شناسی در آیات و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

دشمن‌شناسی در فرهنگ اسلامی، یک اصل مسلم است که دین مبین اسلام و مسلمانان بدون آن هرگز نمی‌توانند از اعتقادات و فرهنگ و جامعه اسلامی خود محافظت کنند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، تولی بدون تبری ممکن نیست و تبری از دشمن هم نیاز به شناخت دشمن دارد. عاشق اهل بیت علیهم‌السلام هیچ‌گاه در کنار تولی، تبری را فراموش نمی‌کند و اساساً بدون تبری از دشمنان، مودت و محبت معنایی ندارد. شهید مطهری در توضیح تولی و تبری در مکتب شیعه می‌گوید: «شیعه معتقد است که فروع دین ده‌تاست و نهم و دهم را تَوَلَّى و تَبَرَّى می‌شمارد و معنای آن این است که هرکس باید به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام معتقد باشد؛ ولی همین مقدار کافی نیست و در همان حال بایستی یک حالت منفی نیز داشته باشد؛ یعنی آنچه را که ضد علی و راه اوست، نفی و انکار کند؛ چنانچه در توحید هم تنها ایمان به الله کافی نیست، بلکه بایستی نفی طاغوت در کنار آن قرار بگیرد».^۱

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ، تَوَالِي وَ لِي اللَّهِ وَ تَعَادِي عَدُوِّ اللَّهِ؛^۲ محکم‌ترین حلقه ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و مهرورزی با دوستان خدا و بیزاری از دشمنان خداست».

یا مسلمان باش یا کافر، دورنگی تا به کی یا مقیم کعبه شو یا ساکن بت‌خانه باش

خدای متعال در آغاز سوره «ممتحنه» همه مؤمنان را از دوستی با دشمنان برحذر می‌دارد و

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۷۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۷.

می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ...»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را دوست خویش قرار ندهید. شما به آنها اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه بر شما نازل شده است، کفر می‌ورزند. و رسول خدا ﷺ و شما را به دلیل ایمان آوردن به پروردگارتان، از شهر و دیارتان بیرون می‌کنند».

لازم است بدانیم دشمن گاهی درونی پنهان و گاهی بیرونی یا آشکار است؛ همچنین گاه دشمنی خود را ابراز یا پنهان می‌دارد؛ دشمنی ممکن است کوچک و کم‌اهمیت باشد یا بزرگ و خطرناک، دشمن یا چهره دوست به خود می‌گیرد یا به صراحت به میدان می‌آید. از سوی دیگر ابعاد دشمنی ممکن است در عرصه سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی یا نظامی نمایان شود و هجوم دشمن هم گاهی حمله‌های سخت و گاهی نرم و از راه فرهنگ و اندیشه است. پس شناخت میدان‌های نبرد و زمینه‌های هجوم و ضربه‌زدن به دشمن هم متفاوت است و نیاز به شناخت عمیق نقشه‌ها و اهداف دشمن دارد؛ بنابراین شناخت دشمن و ویژگی‌ها و شاخص آن ضرورت دارد.

انواع دشمن در قرآن کریم

خدای متعال و رهبران الهی برای هوشیاری بندگان خدا، چهره‌های مختلف دشمن را برای ما شناسانده‌اند که در ادامه به برخی اشاره می‌کنیم.

۱. شیطان

مهم‌ترین دشمن انسان مؤمن که در تمام عرصه‌های دشمنی حضور دارد، شیطان است؛ خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۲ به یقین شیطان دشمن شماست، او را دشمن خود بدانید».

ویژگی‌های شیطان در برابر دیگر دشمنان عبارت‌اند از:

الف) شیطان هجوم همه‌جانبه دارد و از هر طرف انسان را احاطه می‌کند؛ چنان که خودش می‌گوید: «ثُمَّ لَا تَبِيبُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ»^۳ من از هر سو به سراغ فرزندان آدم می‌روم؛ از پیش‌رو، از پشت‌سر، از سمت راست و از سمت چپ».

۱. ممتحنه: ۱.

۲. فاطر: ۶.

۳. اعراف: ۱۷.

ب) او ما را می‌بیند و ما او را نمی‌بینیم؛ او در کمین‌گاهی است که انسان را می‌بیند و انسان او را نمی‌بیند: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ؛^۱ شیطان و دارودسته‌اش شما را می‌بینند، از آنجاکه شما آنها را نمی‌بینید». البته این ویژگی شیطان، مانع از قدرت انسان بر دفاع از خویشتن در برابر وسوسه‌های او نیست و آزادی او را سلب نمی‌کند.

ج) دشمنی او از نخستین روز آفرینش آدم عليه السلام شروع شد؛ هنگامی که بر اثر تسلیم‌نشدن در برابر فرمان خدا درباره «سجده بر آدم» مطرود درگاه پروردگار گردید و تا امروز دشمنی او ادامه دارد؛ اما هرگز تسلطی بر انسان ندارد و فقط وسوسه می‌کند.

د) شیطان فرصت‌طلب است و در هر فرصتی دشمنی خود را نشان می‌دهد. او در پیشگاه خداوند این‌گونه سوگند یاد کرد: «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ...»^۲؛ به عزتت سوگند، همه آنها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو از میان آنها». شیطان بر سر گفته خود ایستاده است و کوچک‌ترین فرصت را برای اعمال دشمنی و وارد کردن ضربه بر انسان غنیمت می‌شمرد؛ آیا عقل انسان به او اجازه می‌دهد از چنین دشمن آماده‌ای غفلت کند یا او را در جایگاه رفیق شفیق و دوست ناصح بپذیرد؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ»^۳ آیا او و دارودسته‌اش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، درحالی‌که آنها دشمن شما هستند؟!».

۲. کافران، یهود و مشرکان

کافران، یهود و مشرکان از دیگر مصادیق دشمن در آیات قرآن هستند که باید شناخته شوند و جامعه مسلمان باید از نقشه‌های آنان هوشیاری لازم را داشته باشد. گفتنی است دشمنی این گروه با مسلمانان، ریشه‌دار و پرسابقه و همیشگی است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۴؛ همانا کافران، دشمنان آشکار شما هستند». دشمنی یهود با مسلمانان نیز تاریخی و ریشه‌دار است و هرگز نباید از آنان غافل بود. خداوند می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا»^۵؛ به یقین سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی به اهل

۱. همان: ۲۷.

۲. ص: ۸۲.

۳. کهف: ۵۰.

۴. نساء: ۱۰۱.

۵. مانده: ۸۲.

ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت».

۳. منافقان و شاخص‌های آنان

این گروه بدترین نوع دشمنان مسلمانان و مؤمنان هستند که از داخل دشمنی و نفوذ می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند؛ به همین دلیل خدای متعال منافقان را در بدترین جای جهنم می‌نشاند و درباره آنان می‌فرماید: «به‌یقین منافقان در پست‌ترین جایگاه دوزخ قرار دارند و هرگز یابوری برای آنها نخواهی یافت».^۱

مسلمانان همواره در تاریخ آسیب‌های بسیاری از دورویی اهل نفاق متحمل شده‌اند. از دیدگاه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام دشمنان درونی و دارای امراض روحی، شاخصه‌هایی دارند که می‌توان از طریق همین نشانه‌ها منافقان را شناخت؛ آنان ترسو، دروغگو،^۲ بی‌ایمان، لجاج، بهانه‌جو، حرمت‌شکن، فرصت‌طلب، حریم‌شکن و بخیل و سست در عبادت و ... هستند.^۳ امروزه باید اینان را شناخت؛ چراکه نفوذی‌ها، جاسوسان و منافقان معاصر در میان مسلمانان حضور دارند و به نقشه‌های پلید خود می‌اندیشند.

۴. بعضی از همسران و فرزندان

قرآن برخی از همسران و فرزندان را که مانع انجام وظیفه شرعی می‌شوند یا با دشمنان هم‌سوئی و همراهی دارند، دشمن خطاب می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ»؛^۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شمایند؛ پس از آنان برحذر باشید».

داستان عاقبت به‌خیرنشدن زبیر بن عوام و جنگ او با امام زمان خود امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به دلیل علاقه و تبعیت از فرزند ناصالحش عبدالله بن زبیر بود. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: «مَا زَالَ الرَّبِيزُ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، حَتَّى نَسَأَ ابْنُهُ الْمَشْتُومُ - عَبْدُ اللَّهِ -؛ زبیر همواره عضوی از ما بود تا آنکه فرزند نامبارکش عبدالله بزرگ شد». زبیر تا قبل جنگ جمل سابقه درخشانی داشت؛ به

۱. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الذِّكْرِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» (نساء: ۱۴۵).

۲. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ.

۳. احزاب: ۱۹.

۴. تغابن: ۱۴.

۵. شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳.

گونه‌ای که در هیچ‌یک از جنگ‌های پیامبر از جبهه غایب نبوده است.^۱ زیر از مدافعان حضرت علی علیه السلام در سقیفه و نیز شاهد وصیت و دفن و نماز حضرت زهرا علیها السلام بود؛ حتی در شورای شش نفره به امیر مؤمنان رای داد.^۲ علی علیه السلام هم در جمله مهمی درباره خدمات زیر و شمشیر او فرمود: «إِنَّ هَذَا السَّيْفَ طَالَمَا فَزَّحَ الْكَرْبَ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۳ این شمشیری است که بارها اندوه را از صورت پیامبر صلی الله علیه و آله برطرف کرد».

زیر در دوران خلفای ثلاثه دارای زیادی جمع‌آوری کرد. گفته‌اند وی پس از خود یازده خانه در مدینه، دو خانه در بصره، یک خانه در کوفه و یک خانه در مصر به ارث گذاشت؛ همچنین دارای وی را پس از مرگش، هزار دینار، هزار اسب و تعدادی کنیز و غلام ذکر کرده‌اند.^۴ او علی علیه السلام را چنان ناراحت نمود که آن گرامی این‌گونه نفرینش کرد: «اللَّهُمَّ أَفْعِصِ الرَّبِيرَ بِشَرِّ قِتْلَةٍ وَ اسْفِكْ دَمَهُ عَلَى صَلَالَةٍ؛^۵ خدایا زیر را به بدترین کشته‌شدن‌ها گرفتار کن. خونس ریخته شود، درحالی که در گمراهی است»؛ چون حضرت، حجت را بر او تمام کرده بود.

برای همین بر ما لازم است همواره دست به دعا برداریم و مرتب خود و اعضای خانواده را دعا کنیم که ان‌شاءالله عاقبت‌به‌خیر و نور چشم ما باشند. پیوسته باید این دعای قرآنی را خواند و از خداوند درخواست نمود که: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛^۶ پروردگارا، از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما».

گفتنی است شخص باید بین خانواده و اعتقاداتش پیوند متعادلی برقرار کند که نه وظیفه شرعی به حقوق خانواده لطمه بزند و نه رسیدگی به خانواده او را از وظایف شرعی باز دارد.

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۹، ص ۴۲۰.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۴؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. اسماعیل ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۳۳۵.

۴. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۵۷؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۵.

۶. فرقان: ۷۴.

۵. نفس اماره

از دیگر مصادیق دشمن، نفس اماره انسان است که اگر مهارش نکنند، هستی او را بر باد می‌دهد. انسان اساساً همواره باید مراقب قلب پاک خود باشد که این دشمن نفوذ نکند. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ - غَيْرَ اللَّهِ؛^۱ دل حرم خداست؛ پس جز خدا را در حرم خدا مَنشان». به قول حافظ:

پاسبانِ حرم دل شده‌ام شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛^۲ دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست».

اساساً در فرهنگ اسلامی جهاد اکبر برای دشمنی است که درون وجود شخص است و پیکار با او سخت‌ترین جهاد است. افراد زیادی در نبردهای بزرگ پیروز شده‌اند؛ اما در پیکار با نفس اماره شکست خورده و سرنوشت شومی برای خود رقم زده‌اند.

تو با دشمن نفس هم‌خانه‌ای
چه در بند پیکار بیگانه‌ای

نفس اماره و ترویج بی‌حیایی

خدای متعال دشمنی نفس اماره و نتیجه خانمان‌سوز تسلیم و پیروی از نفس شیطانی را با داستان و مثالی بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛^۳ و اگر می‌خواستیم مقام او [بلعم باعورا] را با این آیات و علوم و دانش‌ها بالا می‌بردیم؛ [اما اجبار برخلاف سنت ماست، او را به حال خود رها کردیم] و او به پستی گرایید و از هوای نفس پیروی کرد. مثل او همچون سگ [هار] است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را بیرون می‌آورد و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند [گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود]. این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. این داستان‌ها را [برای آنها] بازگو کن؛ شاید بیندیشند و بیدار شوند».

۱. تاج‌الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۵۱۸.

۲. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۸، ص ۷۰.

۳. اعراف: ۱۷۶.

وقتی بلعم باعورا مغلوب نفس اماره شد و فهمید دنیا و آخرتش را بر باد داده است، نقشه خطرناکی کشید و به حاکمان ظالم گفت: اکنون که دنیا و آخرت من از من گرفته شد، جز حيله و نیرنگ باقی نمانده است. آن‌گاه دستور داد: «زنان را آراسته و آرایش کنید و کالاهای مختلف به دست آنها بدهید تا به میان بنی اسرائیل برای خرید و فروش بروند. و به زنان سفارش کنید که اگر افراد لشکر موسی عليه السلام خواستند از آنها کامجویی کنند و عمل منافی عفت انجام دهند، خود را در اختیار آنها بگذارند. اگر یک نفر از لشکر موسی عليه السلام زنا کند، ما بر آنها پیروز خواهیم شد»^۱.

روش‌های دشمن

در قرآن و روایات نشانه‌ها و شاخص‌هایی وجود دارد که می‌توان از روی آنها روش‌های دشمن را شناخت.

۱. ایجاد تردید، نگرانی و ترس

کسانی که میان مؤمنان تردید و ناامیدی تزریق می‌کنند، در صف دشمنان قرار دارند و آنان راه شیطانی می‌پیمایند. تردید در مؤمنان عمدتاً با وسوسه شروع می‌شود. وسوسه می‌تواند مؤمنان را به باورهای خود سست کند و راه را برای تردید و حیرت فراهم نماید. خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ؛^۲ بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم ... از شر وسواس خناس که در سینه‌های انسان‌ها وسوسه می‌کند».

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «کار دشمن دلهره‌افکندن است. کار دشمن این است که دلهره بیندازد، بترساند، ناامید کند؛ این کار دشمن است، کار شیطان است؛ مال امروز هم نیست، همیشه بوده؛ در طول تاریخ و در طول تاریخ اسلام. "إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ؛ [آیه] قرآن است - این شیطان است که دوستان و پیروان خودش را می‌ترساند؛ "فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"^۳ [خدا می‌فرماید] شما که مؤمن هستید، از اولیای شیطان، از پیروان شیطان، از قدرت‌هایی که قدرت‌های شیطانی هستند ترسید؛ از من بترسید، از انحراف از صراط مستقیم بترسید. اگر کسی از صراط مستقیم منحرف شد، این ترس دارد؛ چون وقتی شما از جاده مستقیم و صحیح و خوب و درست منحرف شدید، می‌افتید در بیابان؛ از این بترسید، اما از

۱. وقال: إن زنى منهم رجل واحد كفيتموهم ، ففعلوا ذلك ... (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۷۳).

۲. ناس: ۱-۵.

۳. آل عمران: ۱۷۵.

دشمن اصلاً ترسید»^۱.

۲. اختلاف بین مؤمنان

کسانی که در جامعه اسلامی بر طبل اختلاف می‌کوبند، در ردیف بازوان دشمنان مسلمانان قرار دارند. علی علیه السلام فرمود: «هرکس در تفرقه و دودستگی مسلمانان می‌کوشد، در صف دشمنان قرار دارد». همچنین فرمود: «وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ. أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»^۲ از تفرقه و جدایی پرهیزید [جدایی از توده‌های عظیم و مؤمن]؛ زیرا افراد تنها و جدا نصیب شیطان‌اند، همان‌گونه که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ است. آگاه باشید، هر کس به این شعار [شعار تفرقه انگیز خوارج لا حکم الا لله] مردم را دعوت کند، او را به قتل برسانید، هر چند زیر عمامه من باشد [و به من پناهنده شود]». این هم از روش‌های شیطانی دشمنان در قرآن است.^۳

۳. جنگ روانی

از دیگر شاخص‌های شناخت دشمن و روش‌های وی، دامن‌زدن به جنگ روانی از سوی رسانه‌های حقیقی و مجازی در جامعه است که به دو طریق انجام می‌گیرد: شایعه و مخفی‌کردن اخبار مثبت.

الف) شایعه

امروزه شایعه قوی‌ترین حربه دشمن و مهم‌ترین ابزار جنگ روانی وی در میدان مقابله با نظام اسلامی است. اگر در این باره غفلت شود و وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها و فضای مجازی در برابر شایعات کنترل نشود، ممکن است خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اعتقاد و اعتماد مردم وارد آید. شایعه، ارجاف، اذاعه، خیر فاسق، خیر نامطمئن و غیرعلمی از اصطلاحاتی هستند که در قرآن کریم به شایعه و شایعه‌پراکنی اطلاق می‌شود.

خداوند در سوره «نساء» برای بیان شایعه از واژه «اذاعه» بهره می‌گیرد و می‌فرماید: «هنگامی که خبری [و شایعه‌ای] از ایمنی یا ترس [پیروزی یا شکست] به آنان [منافقان] برسد، آن را فاش و پخش می‌کنند، در حالی که اگر آن را [پیش از نشر] به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند،

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4906>.

۲. شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۳. مانده: ۹۱.

به یقین آنان که اهل درک و فهم و استنباط‌اند، حقیقت آن را درمی‌یابند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، پیروی از شیطان می‌کردید»^۱.

ب) مخفی کردن اخبار مثبت

از دیگر روش‌های دشمنان برای مقابله با مسلمانان، پوشاندن و مخفی کردن اخبار مثبت و پیشرفت مسلمانان و تمام خیر و برکاتی است که در جامعه اسلامی رخ می‌دهد. این شیوه یکی از شدیدترین حربه‌های جنگ رسانه‌ای و روانی دشمن در عرصه‌های مختلف است. خداوند می‌فرماید: «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ»^۲؛ کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از ناحیه خداوند بر شما نازل گردد».

این شیوه جنگ رسانه‌ای در زمان ما مرتب اتفاق می‌افتد و رسانه‌های داخلی و خارجی دشمن از روی کینه‌ای که دارند، تمام پیشرفت‌های مسلمانان را مخفی می‌کنند؛ همچنین اخبار منفی و نقاط ضعف ما را برجسته جلوه می‌دهند و به خیال خود با این روش می‌خواهند مسلمانان و نظام اسلامی را شکست دهند. آنان چنان کینه دارند که کوچک‌ترین خیرات و برکات و دستاوردها را برعکس می‌کنند و به شکل نقطه ضعف نشان می‌دهند.

قرآن آرزوی دشمنان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ»^۳ آرزو دارند که در رنج بیفتید؛ دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است». دشمنان می‌کوشند با رسانه‌های در اختیار خود اخبار خوب مسلمانان را پنهان کنند یا ناچیز جلوه دهند و در مقابل اخبار منفی و نقطه ضعف‌ها را برجسته و درشت نشان دهند.

هدف اصلی دشمن

مهم‌ترین هدف دشمنان اسلام، خاموشی نور خدا در تمام نقاط عالم است. دشمن از هر روشی بهره می‌گیرد تا بساط اسلام و مسلمانان را برچیند و به راحتی بتواند بر ملت‌های مستضعف تسلط یابد و با غارت دارایی‌های آنان خود را آقای جهان معرفی کند؛ ولی غافل از اینکه اراده

۱. برای مطالعه درباره شایعه، ر.ک به: «شایعه مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن»، ره توشه محرم ۱۴۴۱، شهریور ۱۳۹۸.

۲. بقره: ۱۰۵.

۳. آل‌عمران: ۱۱۸.

خدای متعال بالای همه اراده‌هاست؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱.
مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما غافل از آنکه خدا هست در اندیشه ما

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۲. امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۷۹ ق.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴ ق.
۶. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم: نشر ائمه علیهم‌السلام، ۱۳۷۹ ش.
۸. شعیری، تاج‌الدین، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. فتال نیشابوری، محمد، روضة الواعظین، قم: نشر رضی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، ۱۴۰۰ ش